

## پرسش و پاسخ قضایی

باتوجه به پرسش های ارسالی خوانندگان تپش درخصوص موضوعات حقوقی از جمله هزینه های ساختمان، احتمال ریزش سقف آپارتمان، اخراج از کار



و مجازات قتل، **مریم جنت آبادی، کارشناس ارشد حقوق خصوصی** به سوالات شما پاسخ داده است. مخاطبان می توانند پرسش های حقوقی خود را با ارسال پیامک به شماره ۳۰۰۰۱۲۲۴ مطرح کنند و پاسخ را در همین صفحه بخوانند.

### هزینه های ساختمان

**س. سلام، جک های در پارکینگ ساختمان سرقت شده است. در این ساختمان اغلب ساکنان مستاجر هستند. هزینه خرید دوباره جک به عهده مستاجر یا صاحبخانه است؟**  
هزینه خرید جک از صندوق شارژ ساختمان که توسط ساکنان چه مالک چه مستاجر هزینه می شود، پرداخت خواهد شد.

### احتمال ریزش سقف آپارتمان

**س. همسایه طبقه بالایی ما طلافروش است و گاوصندوق بزرگی را به خانه آورده است. بر اثر سنگینی گاوصندوق احتمال ریزش سقف وجود دارد، می توانم علیه او اقدام کنم؟**  
سقف جزو مشاعات با مالک بالاست و می توانید در صورت خلاف و ایجاد بار اضافی و خطرناک به عنوان تصرف عدوانی در مشاعات، اعلام شکایت و رفع تصرف با جلب نظر کارشناسی داشته باشید.

### اخراج از کار

**س. چهار سال در شرکتی کار کردم اما صاحب کار مرا بیمه نکرد و حالا اخراج کرده است. چطور می توانم احقاق حق کنم؟**  
بیمه کردن کارگران از حقوق آمره است، شما می توانید برگه دریافت حقوق را از بانک گرفته و به اداره کار مراجعه و تقاضای اعمال ماده ۱۴۸ قانون کار را درخواست و تقاضای بازرسی تحقیقی کنید و یک درخواست بازرسی هم به تامین اجتماعی بدهید.

### مجازات قتل

**س. پسرم در یک درگیری به قتل رسید. بعد از یک سال تصمیم گرفتم قاتل پسرم را ببخشم. نمی خواهم خون را با خون بشویم. حالا سوالی دارم، اگر او را ببخشم دیگر مجازات نمی شود و آزاد می شود؟**

براساس ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی در صورت بخشش اولیای دم، قاتل باید از جنبه عمومی جرم محاکمه و مجازات شود. در ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی آمده است: هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکي نداشته یا شاکي داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلاص در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران شود، دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می کند.



ویژه نامه حوادث روزنامه جام جم  
چهارشنبه ۳ مهر ۹۸ شماره ۸۴۷  
خانواده



## دومین درخواست طلاق به خاطر اسم بچه

فرزان و مهرنوش طی پنج سال زندگی مشترک، دوبار کارشان به دادگاه خانواده کشیده شد. این زوج که دو سال قبل از هم جدا شده بودند، بعد از ازدواج دوباره، این بار برای بار دوم تصمیم به طلاق گرفتند. دلیل این زوج برای جدایی، دعوا بر سر اسم فرزندشان بود.

قبول نکردم. با این حال فرزان می گفت هر طور شده اسم پسرمان را عوض می کند و خودش آن را انتخاب می کند. حالا که او این حرف را می زند من هم باید بگویم چرا باید اسمی را که او انتخاب کرده برای فرزندمان بگذاریم. از وقتی دوباره ازدواج کردیم سر همین موضوع مرتب با هم درگیر می شویم. من باز هم فهمیدم که زندگی در کنار فرزان فایده ای ندارد و جز جنگ و دعوا هیچ چیز مثبتی ندارد. فرزان حاضر نیست سر هیچ مساله ای کوتاه بیاید. برای همین تصمیم به جدایی گرفتیم. در ادامه شوهر این زن نیز به قاضی گفت: آقای قاضی همسر من عادت کرده از رفتارهای بقیه ایراد بگیرد و رفتارهای خودش را نبیند. او متوجه نیست خودش هم چقدر لجباز و یکدنده است و مرتب در حال ناسازگاری است. همین رفتارهایش باعث می شود من هم لجباز شوم. ماجرای اسم را خود مهرنوش شروع کرد. او درست هنگام طلاق مان دقیقاً اسمی را روی فرزندمان گذاشت که می دانست من از آن متنفرم. وقتی دوباره ازدواج کردیم با او صحبت کردم و گفتم حالا که آشتی کرده ایم و دیگر با هم جنگ نداریم بیا و اسم پسرمان را عوض کنیم. اما مهرنوش باز هم با لجبازی شروع کرد به داد و فریاد و دعوا کردن؛ گفت که حق ندارم این کار را کنم. وقتی با حالت دستوری با من صحبت کرد من هم نتوانستم کوتاه بیایم و به او بگویم چشم؛ برای همین دعوای ما بالا گرفت. حالا من هم دیگر نمی خواهم در کنار این زن زندگی کنم. در پایان نیز قاضی سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف

زن جوان زمانی که در مقابل قاضی دادگاه خانواده تهران قرار گرفت درباره علت درخواست طلاقشان گفت: پنج سال پیش بود که با فرزان ازدواج کردم. ما سه سال با هم زندگی کردیم، ولی نتوانستیم در کنار هم بمانیم. سر هیچ مساله ای با هم تفاهم نداشتیم و در کوچک ترین مسائل با هم درگیر می شدیم. از یک جایی به بعد تصمیم به جدایی گرفتیم. وقتی آن سال ما از هم جدا شدیم پسرمان تازه به دنیا آمده بود. من به تنهایی او را بزرگ کردم. تا این که چند وقت پیش من و فرزان دوباره با هم آشتی کردیم. فرزان گفت از کارهای گذشته اش پشیمان شده و من هم به خاطر فرزندمان قبول کردم که دوباره در کنارش زندگی کنم. من و فرزان دوباره با هم ازدواج کردیم و زندگی مشترکمان شروع شد. اما از همان روز اول، دعوای ما باز از سر گرفته شد. فرزان دوباره سر ناسازگاری گذاشت و گفت باید اسم فرزندمان را عوض کنیم چون خودش آن را انتخاب نکرده است. شوکه شده بودم. دو سال اسم پسرم را صدا کرده بودیم حالا شوهرم می خواست آن را عوض کند. مگر می شد! ولی فرزان گوشش به این حرف ها بدهکار نبود. طبق معمول گذشته فقط حرف خودش را تکرار کرد و توقع داشت من هم گوش به فرمان او باشم. اسم بچه مگر چه بود که باید حتی در این مورد هم حرف، حرف خودش باشد؟ من هم وقتی زورگویی و رفتار غیر منطقی اش را دیدم،

سیمافراهانی

تپش

## بعد از جدایی، بر مبنای احساس به زیر یک سقف برگردید!

**منصوره نیکوگفتار، روان شناس** در این رابطه می گوید: انتخاب همسر و شریک زندگی یکی از مهم ترین اتفاقات زندگی هر فرد است. زیرا فرد باید همه عمر خود را با همسرش سپری کند. برای همین این که چه کسی شریک زندگی باشد، اهمیت بسیاری دارد. زن و مرد باید پیش از ازدواج در انتخاب همسر خود دقت لازم را داشته باشند. اما به این معنی نیست که فرد دچار وسواس شود. با این حال باید برای یک زندگی موفق پیش از ازدواج همه جوانب را در نظر گرفت و به دور از احساسات عاطفی و هیجانات، شریک زندگی را انتخاب کرد. ازدواج را

نباید سرسری گرفت، باید با معیارهای حقیقی به آن تن داد و همسر را انتخاب کرد. به همین دلیل است که مشاوره قبل از ازدواج امر مهمی به شمار می رود. اگر زوج ها قبل از ازدواج به مشاور مراجعه کنند و بدون هیجانات عاطفی تصمیم بگیرند، این مساله به زندگی بهتر و دوام آن کمک زیادی خواهد کرد. یا دست کم پیش از ازدواج درباره عیب و نقص ها و ایرادهای همدیگر صحبت کنند، نظریاتشان را با هم در میان بگذارند تا در زندگی مشترک دچار مشکل نشوند. بعد از جدایی هم بر سر احساس دوباره زیر یک سقف نروند و سعی کنند ابتدا مشکلاتی را که باعث جدایی آنها شده رفع کنند بعد تصمیم به ادامه زندگی بگیرند.